

واکاوی سیر تحولات تعلیق اجرای مجازات در نظام حقوق کیفری ایران

فاطمه رهائی نجف آبادی

کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر اصفهان

چکیده

از حیث تاریخی تعلیق اجرای مجازات از تأسیسات حقوق عرفی می باشد که در مکتب تحقیقی و تحت تأثیر افکار دانشمندان این مکتب شکل رفته است. قانون ۱۸۹۱ فرانسه نیز که تعلیق را پیش بینی نموده است نیز تحت تأثیر عقاید این مکتب وضع شده است. در ایران نیز در سال ۱۳۰۴ قانونگذار به تبعیت از قانون ۱۸۹۱ فرانسه تعلیق مجازات را ضمن مواد ۴۷ تا ۵۰ ق.م.ع آورده است. سپس این مواد در سال ۱۳۴۶ با تصویب قانون تعلیق اجرای مجازات در باب تعلیق فسخ گردیده است و بعد از پیروزی انقلاب نیز قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ و بعد از آن قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و در آخر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقررات تعلیق اجرای مجازات را با تغییراتی مقرر داشته اند. تعلیق مجازات در حال حاضر براساس مواد ۴۶ تا ۵۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اعمال می گردد که قانونگذار برای این نهاد حقوقی شرایطی مقرر کرده اند که پاره ای از این شرایط مربوط به جهات و موجبات تعلیق در مدت تعلیق و میزان مجازات معلق و نوع محکومیت های قابل تعلیق می باشد که شرایط ماهوی تعلیق هستند، که عبارتند از: الف) شرایط مربوط به بزهکار، وضعیت فردی، خانوادگی، اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوال حاکم بر وقوع جرم ارتكابی. ب) جبران ضرر و زیان مدعی خصوصی جهات مخففه، اصلاح مرتکب و فقدان کیفری مؤثر. ج) شرایط مربوط به نوع مجازات قابل تعلیق، که تعزیری است و در دیگر محکومیت ها، تعلیق جایز نیست. در نوشتار حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی به بررسی سیر تحولات تعلیق اجرای مجازات در نظام حقوق کیفری ایران پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: تعلیق، اجرای مجازات، محکومیت، قانون مجازات.

1- مقدمه

در اثر تحولاتی که در چند قرن اخیر در جوامع پیشرفته پدیدار گردید ملاحظه می‌شود که مبانی حقوق قضائی از نظر اهمیتی که جامعه برای اجرای مجازات ملحوظ می‌دانست نیز دستخوش تغییر و تبدیل شده و اساس و پایه اعمال مجازات در قرن حاضر با آنچه که در قرون گذشته به آن نگریسته می‌شد تفاوت کلی یافته است. اما در مجموع می‌توان گفت که امروزه مجرم را بیشتر یک بیمار می‌پندارند تا یک عنصر فاسد و ضد اجتماعی و براساس این طرز تفکر است که آن اعتقادی که در قرون گذشته نسبت به اجرای عدالت در اعمال مجازات وجود داشت دیگر وجود ندارد و کمتر کسی است که بزهکاری را صد درصد مسئول اعمال و رفتار ضد اجتماعی خود دانسته و او را در ارتکاب جرم از تأثیر و نفوذ محیط به طور کلی مستثنی و دور بداند. با توسعه و نفوذ این طرز تفکر و با شناخت بهتر بزهکار و بزهکاری براساس مبانی نوین حقوقی و جز این و جرم‌شناسی، فلسفه مجازات نیز تغییر کلی پیدا کرده و آن را بیشتر عاملی برای اعاده نظم جامعه و تربیت و اصلاح و درمان بزهکاری می‌دانند تا تظاھری از انتقام ارباب یا اجرای عدالت. با چنین طرز تفکر بود که عده‌ای از علمای حقوق جزائی و جامعه‌شناسان به این فکر افتاده‌اند که شاید بهتر باشد در پاره‌ای از موارد اجرای مجازات موقتاً معلق بماند و این مجازات اجرا نشود مگر آنکه محکوم علیه خود را با شرایطی که بوسیله قانون گذار و محکمه برای استفاده او از تعلیق مقرر داشته‌اند منطبق نسازد و در جهت خلاف آنچه که برای او مقرر شده است گام بردارد. تعلیق اجرای مجازات در روزگار ما یکی از ابزارهای قضایی سیاست فردی کردن مجازات‌ها است. آنچه که بیش از هر عامل اجتماعی دیگری زمینه را برای اشاعه اندیشه تعلیق فراهم ساخت محیط ناسالم زندان‌ها و دور نگهداشتن زندانیان به خصوص محکومان بدوی از آثار سو معاشرت با بزهکاران پیشینه دار بود. در نوشتار حاضر به بررسی سیر تحولات تعلیق اجرای مجازات در نظام حقوق کیفری ایران پرداخته خواهد شد.

2- تاریخچه مفهوم تعلیق مجازات

استفاده از تعلیق مجازات در قرن نوزدهم معمول شد. در این زمان دادگاه‌ها در مورد زندانیان جوان و بی سابقه که رفتن به زندان باعث وارد آمدن صدمات جبران ناپذیر به شخصیت آنها می‌شد، مجازات را معلق می‌کردند و محکوم را زیر نظر و مراقبت افسران پلیس و افرادی که به علت عقاید و عواطف مذهبی و نوع دوستی حاضر به همکاری با دادگاه بودند، قرار می‌دادند. در سال ۱۸۷۸ ایالات ماسوچوست با وضع قانونی خدمات موظف نظارت بر زندانی را برای اول بار به وجود آورد، و از آن به بعد به تدریج این نهاد رسمی جای مراقبت غیرمنظم و غیرمتشکل از طریق داوطلبان غیر موظف را گرفت.

وظیفه «مامور مراقبت» که از بودجه عمومی حقوق می‌گیرد آن است که در دوران تعلیق مجازات، محکوم را از هر جهت راهنمایی و موجبات اصلاح و ورود قطعی او را به جامعه فراهم کند. در صورتیکه محکوم احتیاج به مداوای پزشکی یا روانی داشته باشد مامور مراقب می‌تواند از بودجه خاصی که برای این منظور تهیه شده مخارج درمانی را بپردازد، و گاهی اوقات مراجعه به پزشک عمومی یا روانپزشک، از شرایط اعطای «تعلیق مجازات» است. حداقل کاری که مامور مراقب می‌کند این است که مراقب باشد تا محکوم شرایط تعلیق مجازات را نقض نکند و در این زمینه اختیارات نسبتاً وسیعی دارد که اقدامات لازم را بعمل آورد و تنها در صورت ضرورت مراتب را به اطلاع دادگاه برساند. دادگاه نیز می‌تواند در صورت لغو مقررات دوران تعلیق مجازات، به نظر و تصمیم خود، از لغو تعلیق خودداری کند و یا در حالیکه حکم به ادامه تعلیق مجازات می‌دهد محکوم را به پرداخت جرائم نقدی محکوم نماید.

3- تعلیق مجازات از نظر حقوق تطبیقی در کشورهای مختلف

در آمریکا

در کشور آمریکا آنچه ما تعلیق مجازات می خوانیم و آنها Probation می گویند یا مقررات و اصولی مشابه مورد استفاده است. تنها تفاوت عمده ای که میان رویه آمریکا از یک طرف و کشورهای حقوق مدون، من جمله ایران، از طرف دیگر، وجود دارد این است که در آمریکا محکوم آزاد شده را در مدت تعلیق مجازات به حال خود وا نمی گذارند، بلکه در این مدت زیر نظر مامور خاصی که Officer Probation نامیده می شود، وسایل مراقبت، راهنمایی و احتمالا معالجه و درمان او را فراهم می آورند.

در انگلستان

در انگلستان خانه ها و اقامت گاه های مخصوصی جهت اقامت محکومین در دوران تعلیق مجازات تاسیس شده است. بعضی از محکومین باید در خانه های مخصوص به کار با فعالیت مشغول باشند، در حالیکه عده دیگر می توانند روزها در خارج «اقامتگاه» کار کنند و شب ها را برای استراحت به اقامتگاه بازگردند. از این افراد پولی هم برای کمک به مخارج اقامتگاه گرفته می شود. «مامورین مراقبت» از نظر تماس با محکومین و کمک به آنان که زودتر مقامی مناسب در جامعه بدست آوردند، بسیار موثر بوده اند. اشکال عمده ای که در این زمینه وجود دارد آن است که به تعداد کافی مامور مراقبت وجود ندارد. بهترین موقعیت آن است که یک مامور مراقبت در حدود ۳۵ نفر محکوم را در دوران تعلیق زیرنظر و بازرسی داشته باشد، ولی در ایالات مختلف آمریکا، مراقبت از ۵۰ محکوم هم عادی و طبیعی تلقی شده است. مطابق آماری که در دست است در تمام آمریکا در حدود ۷۰۰۰ نفر مامور مراقبت وجود دارد در حالیکه تنها در دادگاه های اطفال بوجد ۱۵۰۰۰ نفر مامور مراقب احتیاج است.

در روسیه شوروی

در حقوق جزای شوروی تعلیق مجازات در موارد مختلف مورد استفاده قرار می گیرد. مطابق قوانین موجود شوروی (ماده ۳۸ قانون جزای اتحاد جماهیر شوروی) در صورتیکه دادگاه در حین صدور حکم سالب آزادی یا «کار سازنده» یعنی کاری که در کارگاه های مخصوص زیرنظر مقامات جزائی صورت می گیرد با توجه به ماهیت مجازات و شخصیت مجرم و شرایط ارتکاب جرم متوجه شود که اجرای مجازات آثار نامطلوب به بار خواهد آورد، می تواند حکم به تعلیق مجازات بدهد و لازم است که انگیزه تعلیق را در حکم قید نماید. در دوره تعلیق مجازات که بنا به نظر دادگاه و با توجه به شدت یا ضعف جرم ارتكابی بین ۱ تا ۵ سال تعیین می شود، مجرم نباید مرتکب عمل مجرمانه جدیدی گردد، وگرنه علاوه بر لغو قرار تعلیق دادگاه با توجه به مقررات تکرار جرم درباره جرم اخیر او تصمیم خواهد گرفت.

در غالب موارد با توجه به شخصیت مجرم و همینطور موقعیت کارخانه یا مجتمع کشاورزی که تقاضای تعلیق مجازات مجرم را کرده اند دادگاه مراقبت و سرپرستی او را در دوران تعلیق به کارخانه یا مجتمع کشاورزی خاص خود او واگذار می کند. در زمان جنگ چنانچه درباره یکی از افراد نظامی حکم محکومیت زندان صادر شده باشد دادگاه می تواند حکم به تعلیق مجازات بدهد تا او بتواند وظایف خود را در میدان جنگ انجام دهد در این صورت معمولا مجازات های تبعی و تکمیلی هم درباره او اجرا نخواهد شد.

در ایتالیا

در حقوق جزای ایتالیا تعلیق مجازات که «تعلیق مشروط مجازات» نامیده می شود در مواد ۱۶۳ تا ۱۶۸ قانون جزا پیش بینی شده است. از آنجایی که مقررات تعلیق مشروط در حقوق جزای ایتالیا از لحاظ اصول کلی به مقررات جزایی فرانسه و ایران شباهت کامل دارد، از نظر آشنایی مختصر به این مقررات تنها به ترجمه ماده ۱۶۳ اکتفا می شود:

«در موقع صدور حکم محکومیت زندان یا توقیف برای مدتی که از یکسال تجاوز نکند، و یا مجازات نقدی که به تنهایی و با به ضمیمه مجازات سالب آزادی و یا مجازاتی که با توجه به ضوابط قانونی (به جای مجازات نقدی) تعیین شده است، مجموعا از یکسال سلب آزادی شخصی مجرم تجاوز نکند، قاضی می تواند حکم دهد که اجرای مجازات برای مدت ۵ سال، در صورتیکه محکومیت به خاطر ارتکاب جنایت باشد و یا دو سال، در صورتیکه محکومیت به خاطر ارتکاب جنحه باشد، معلق بماند...»

تخلف از مقررات تعلیق و یا ارتکاب جرم جدید باعث لغو تعلیق مجازات خواهد شد.

4- تحولات تعلیق مجازات

4-1- تعلیق اجرای مجازات، در نظام کیفری ایران در مسیر تحول

در سیستم جزائی ایران تعلیق مجازات اولین بار در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ ضمن مواد ۴۷ تا ۵۰ مطرح شده و در سال ۱۳۰۷ اصلاحاتی در آن صورت گرفت. در سال ۱۳۴۶ قانون تعلیق مجازات در ۱۸ ماده به تصویب رسید. در سال ۱۳۶۱ تعلیق مجازات از صورت قانون خاص خارج شده و در قالب ماده ۴۰ قانون راجع به مجازات اسلامی تصویب شده بود و در سال ۱۳۷۰ تعلیق اجرای مجازات موضوع مواد ۲۵ تا ۳۶ ق.م.ا بوده است (آشوری، ۱۷۸) و هم اکنون نیز تعلیق اجرای مجازات موضوع مواد ۴۶ تا ۵۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می باشد.

4-2- سیر پیشرفت تعلیق اجرای مجازات در قوانین موضوعه

سابقه تعلیق اجرای مجازات در ایران از تصویب اولین قانون مجازات عمومی از سال ۱۳۰۴ فراتر نمی رود، در این سال مقنن ایران با تقلید از قانون ۲۶ مارس ۱۸۹۱ فرانسه، ضمن مواد ۴۷ تا ۵۰ قانون مجازات عمومی از نوع تعلیق ساده پیش بینی گردید که این نوع تعلیق در خصوص مجرمین به جرائم جنحه ای (تعریف جنحه: در اصطلاح نوعی جرم است که مجازات آن پایین تر از جنایت و بالاتر از خلاف است. جنحه جنایت و خلاف را از روی کمیت و کیفیت مجازات آن می شناسند). (جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ۱۳۷۸، ۲۰۰) بود و اختیارات نسبتاً گسترده ای برای دادگاه ها در مورد تعلیق اجرای احکام حبس قائل شده بود (گلدوزیان، ۳۹۷).

ماده ۴۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ چنین مقرر داشت: «شخصی که به موجب این قانون به واسطه ارتکاب جنحه محکوم به حبس شده است در صورتی که سابقاً به واسطه ارتکاب جنحه یا جنایتی محکوم شده باشد، محکمه می تواند نظر به اخلاق و احوال مجرم و دلایل موجه، اجرای مجازات را نسبت به او معلق کند».

لیکن اندکی بعد در تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۱۶ مقررات تعلیق اجرای مجازات مورد اصلاح قرار گرفت در این قانون موارد مشمول تعلیق به مراتب محدودتر شد. در این قانون دو تغییر عمده نسبت به قانون ۱۳۰۴ مشاهده می شود. اولاً در این قانون موارد شمول تعلیق محدود به جنحه هایی گردید که در ماده ۱ قانون سال ۱۳۰۴ تعیین شده بود. ثانیاً دامنه شمول تعلیق به جزای نقدی نیز گسترده شد. قانون فوق تا سال ۱۳۴۶ حاکمیت داشت (حاجی تبار فیروز جایی، ۱۱۰).

سرانجام به دلیل عدم تکاپوی نیازها در سال ۱۳۴۶ قانون «تعلیق اجرای مجازات» در ۱۸ ماده در تاریخ ۱۳۴۶/۴/۲۶ به تصویب رسید با تصویب قانون جدید بسیاری از نقایص قانون قبلی برطرف گردید به موجب ماده ۱ این قانون برای محکومیت های حبس تأدیبی یا جزای نقدی یا هر دو مجازات که ناشی از ارتکاب جنحه یا جنایت باشد (چنانچه مجازات آن قانوناً از حبس مجرد شدیدتر نباشد) دادگاه می تواند با احراز شرایط معینی، اجرای مجازات را برای مدت دو تا پنج سال در ضمن حکم محکومیت معلق کند. این قانون در مقایسه با قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۷ دامنه شمول آن گسترده تر بود و شامل جرائم جنایی نیز می شد در قانون قبلی جرائم شمول تعلیق ذکر شده بود ولی در قانون سال ۱۳۴۶ جرائم قابل تعلیق احصاء گردید، به بیان دیگر اصل بر قابل تعلیق بودن کلیه جرائم و مجازات ها جنحه ای قرار گرفت به استثنای برخی جرائم که به نظر مقنن آثار زیان بار اجتماعی آنها بیشتر از آن بود که می توان آن را مورد تعلیق قرار داد.

از سوی دیگر به دادگاه اختیار داده شد تا با توجه به اوضاع احوال محکوم علیه در صورت مقتضی با تحمیل شرایط و تکالیفی به محکوم وی را در دوران تعلیق و آزمایش به نوعی تحت مراقبت قرار دهند تا به این وسیله مجرم به حال خود رها نشده و شرایط اصلاح با سازگاری وی فراهم باشد. (محمد نسل، ۹۷).

در سال ۱۳۶۱ تعلیق اجرای مجازات از صورت قانونی خاص خارج شده و در قالب ماده ۴۰ قانون راجع به مجازات اسلامی پیش بینی گردید. در این سال طبقه بندی جدیدی جایگزین طبقه بندی قبلی جرائم و مجازات ها که به سه دسته جنایت و

جنگه و خلاف تقسیم می شدند گردید؛ و به موجب آن مجازات ها بر حسب نوع جرائم به چهار دسته حدود، قصاص، دبات و تعزیرات تقسیم گردید.

قانون گذار در این قانون در قالب ماده ۴۰، نهاد تعلیق اجرای مجازات را به این نحو پیش بینی نموده است که: در کلیه محکومیت های تعزیری حاکم می تواند مجازات را با شرایط زیر از دو تا پنج سال معلق نماید و در سایر مجازات ها جز در مواردی که شرعاً و قانوناً تعیین شده باشد تعلیق جایز نیست:

الف- محکوم علیه سابقه محکومیت مؤثر کیفری نداشته باشد و در صورتی که سابقه محکومیت کیفری داشته است به جهتی از جهات قانونی محکومیت و آثار آن زایل گردیده باشد.

ب- دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است تعلیق مجازات را مناسب بداند.

ج- محکوم علیه تعهد نماید زندگی شرافتمندانه ای را در پیش گرفته و از دستورهای دادگاه کاملاً تبعیت کند.
د- در مورد محکومیت به غرامت هرگاه بر دادگاه محرز شود که محکوم علیه قادر به پرداخت تمام یا قسمتی از غرامت نمی باشد.

تبصره ۱- در محکومیت های به حبس و غرامت دادگاه می تواند در صورت اقتضاء و با رعایت مقررات این فصل فقط مجازات حبس را درباره محکوم علیه تعلیق نماید.

تبصره ۲- قرار تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت صادر خواهد شد و مجرمی که اجرای حکم مجازات او معلق شده اگر بازداشت باشد به دستور دادگاه فوراً آزاد می گردد.

تبصره ۳- دادگاه جهات و موجبات تعلیق و دستورهایی که باید محکوم علیه در مدت تعلیق از آن تبعیت نماید در حکم خود تصریح و مدت تعلیق را نیز برحسب نوع جرم و جهات شخصی مجرم با رعایت قسمت اخیر ماده ۴۰ تعیین می نماید.

تبصره ۴ - دادگاه با توجه به اوضاع و احوال محکوم علیه و محتویات پرونده می تواند اجرای دستور یا دستورهای ذیل را در مدت تعلیق از محکوم علیه بخواهد و محکوم علیه مکلف به اجرای دستور دادگاه می باشد:

۱. مراجعه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری یا اعتیاد خود.
 ۲. خودداری از اشتغال به کار با حرفه معین
 ۳. اشتغال به تحصیل در یک مؤسسه فرهنگی.
- خودداری از قمار و صرف مشروبات الکلی یا معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آن ها را برای محکوم علیه مضر تشخیص دهد»

اما تفاوت های عمده میان این قانون با قانون ۱۳۴۶ وجود دارد از جمله اینکه، این قانون شامل کلیه محکومیت های تعزیری می شود که شلاق هم از جمله محکومیت های تعزیری به حساب می آید (حاجی تبار فیروز جایی، ۱۱۱)

این نوآوری ها نشانگر آن بود که تعمیم تعلیق به سایر مجازات های تعزیری ظاهراً نشانه تحول جدیدی بود که در مبانی تأسیس این نهاد کیفری رخ داده است؛ زیرا مسئله، دیگر صرفاً پرهیز از آثار شوم زندان های کوتاه مدت نبود، بلکه مراد، ارفاق به بزهکاری بود که برای نخستین بار مرتکب جرم شده اند و تهدید به اجرای مجازات خواه مجازات زندان یا مجازات دیگر به مراتب از اجرای آن در جلوگیری از ارتکاب جرم مؤثر می باشد و در صورت ارتکاب جرم جدید عاملی بازدارنده تلقی می شود (اردبیلی، ۲۹۴). با تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ مقررات ماده ۴۰ قانون راجع به مجازات اسلامی نسخ گردید و مقررات تعلیق اجرای مجازات در حال حاضر ضمن مواد ۲۵ تا ۳۷ این قانون با رعایت شرایط خاصی پیش بینی شده است که این قانون در مقایسه با قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱، علاوه بر کلیه محکومیت های تعزیری شامل کلیه محکومیت های بازدارنده نیز می شود (گلدوزیان، ۳۵۸) در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی چنین آمده است:

«در کلیه محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده حاکم می‌تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط زیر از دو تا پنج سال معلق نماید.

الف- محکوم علیه سابقه محکومیت قطعی به مجازات‌های زیر نداشته باشد.

1. محکومیت قطعی به حد.
 2. محکومیت قطعی به قطع عضو یا نقص عضو.
 3. محکومیت قطعی به مجازات حبس به بیش از یک سال در جرائم عمدی.
 4. محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال.
 5. سابقه محکومیت قطعی دو بار یا بیشتر به علت جرم‌های عمدی با هر میزان مجازات.
- ب- دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند.

تبصره - در محکومیت‌های غیر تعزیری و بازدارنده تعلیق جایز نیست مگر در مواردی که شرعاً و قانوناً تعیین شده باشد.»

سرانجام در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اضافه کردن بعضی شرایط ضمن مواد ۴۶ تا ۵۵ از فصل ششم به نهاد تعلیق اجرای مجازات چنین اشاره شده است: در جرائم تعزیری سه تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرا، تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرا احکام کیفری نیز پس از اجرا یک سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک سوم مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.

4-3- تحولات ساختاری در قوانین مجازات

تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم و تعلیق تعقیب نهادهایی است که باید با هم مقایسه شوند تا هر یک در جای خود به کار گرفته شوند. نهاد تعلیق تعقیب در دادسرا صورت می‌گیرد و دادستان می‌تواند در مورد جرایم کم اهمیت که بزه دیده‌ای وجود نداشته یا شاکی از شکایت خود صرف نظر کرده است، تعقیب را تعلیق کند که ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری به این موضوع اشاره کرده است. البته در خصوص این نهاد مباحث مفصلی وجود دارد، به طور مثال این موضوع مطرح است که آیا قاضی می‌تواند در دادسرا به این تعلیق استناد کند یا خیر؟ برخی معتقدند که این موضوع امکان‌پذیر نیست و برخی در مقابل معتقدند که امکان‌پذیر است؛ نظر غالب این است که تعلیق تعقیب نهادی است که همچنان پابرجاست. تعویق صدور حکم نیز در قانون مجازات اسلامی جدید پیش‌بینی شده و تفاوت آن با نهاد تعلیق اجرای مجازات این است که در تعلیق اجرای مجازات، حکم محکومیت اجرای مجازات این است که در تعلیق اجرای مجازات، حکم محکومیت صادر و اجرای آن معلق می‌شود؛ ولی در تعویق صدور حکم، محکومیت معوق می‌ماند و نه اجرای آن، به این معنا که قاضی پس از احراز مجرمیت، حکم به محکومیت را صادر نمی‌کند و صدور آن را معوق می‌کند. (همان، ۱۰۶) تعلیق اجرای مجازات در مواد ۲۵ به بعد قانون سابق مجازات اسلامی وجود داشت که اکنون نیز در قانون مجازات مصوب سال ۹۲ از ماده ۴۶ به بعد به چشم می‌خورد. در مورد تقسیم بندی تعلیق که علاوه بر قانون سابق، در قانون جدید مجازات اسلامی نیز وجود دارد، باید گفت که متأسفانه قانونگذار به نحوی شایسته به این تقسیم بندی اقدام نکرده است. این در حالی است که در قوانین سایر کشورها به طور مثال در قانون کشور فرانسه تعلیق اجرای مجازات به سه دسته تعلیق ساده، مراقبتی و تعلیق با اجرای خدمات عام المنفعه تقسیم می‌شود؛ اما در قانون سابق و فعلی مجازات اسلامی ایران، تعلیق به دو دسته تقسیم بندی می‌شود. البته این تقسیم بندی به صورت ظاهری وجود ندارد ولی می‌توان استنباط کرد که اکنون تعلیق به دو دسته تعلیق ساده و تعلیق مراقبتی تقسیم بندی می‌شود. منظور از تعلیق ساده آن است که در زمانی که اجرای مجازات به مدت خاصی تعلیق شد، شخص می‌تواند آزاد باشد، حکم اجرا نمی‌شود و در این مدت نیز بنا نیست که دستوری را اجرا یا به محلی مراجعه کند یا از رفتن به مکان خاصی

ممانعت شود. درحقیقت تعلیق ساده به معنای آن است که پس از صدور حکم تعلیق در اجرای مجازات، مجازات در آن ظرف زمانی اجرا نمی شود و شخص موظف و مکلف به اجرای دستوری نیست اما تعلیق مراقبتی به این معناست که شخص مکلف است دستورهای را اجرا کند که اگر اجرا نکند، تعلیق، رفع اثر و مجازات اجرا می شود. (همان، 110)

4-4- تحول و نوآوری در پذیرش تعلیق در جرایم تعزیری

ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی جدید، تعلیق را فقط در جرایم تعزیری می پذیرد. تعلیق اجرای مجازات در حدود وجود ندارد؛ زیرا هنگامی که حد ثابت شد، باید اجرا شود. در حقیقت در حدود، تأخیر وجود دارد ولی تعلیق وجود ندارد. مثالی که در مورد تأخیر در حدود وجود دارد، این است که درباره زن حامله ای که به رجم محکوم شده باشد، گفته می شود که تا زمان وضع حمل یا زمانی که طفل شیرخوار به او نیاز دارد، می توان حکم به حد او را به تأخیر انداخت؛ اما نمی توان حکم را تعلیق کرد. بنابراین درباره تأخیر باید تأکید کرد که پس از رفع مانع، حکم اجرایی می شود ولی اگر شخص در مدت تعلیق، شرایط لازم را رعایت کند، دیگر حکم او اجرایی نمی شود. تعلیق در اجرای مجازات ناظر به مجازات های تعزیری است؛ بنابراین تعلیق در قصاص، دیات و حدود وجود ندارد. همچنین تعلیق در همه موارد قانون مجازات اسلامی پیش بینی نشده است. قانونگذار فعلی در ماده ۴۶ قانون مجازات سال ۹۲ معتقد است که درجاتی از تعزیر شامل درجه ۳ تا ۸ می تواند تعلیق داشته باشد. مفهوم مخالف این ماده آن است که تعلیق اجرای مجازات، جرایم درجه یک و دو را شامل نیم شود و قاضی در این موارد نمی تواند اجرای مجازات را معلق کند. (همان، 115). همواره این موضوع مطرح است که تعلیق، قرار است یا حکم؟ عده ای معتقد بودند که تعلیق حکم است و قاضی حکم به تعلیق صادر می کند، برخی نیز معتقدند که تعلیق نوعی قرار است. اما باید گفت نظر غالب این است که پس از صدور حکم محکومیت، قاضی تصمیم می گیرد که تعلیق را صادر کند و بنابراین تعریف باید گفت که تعلیق در ماهیت خود یک نوع قرار است. یکی دیگر از موضوع هایی که در قانون سال ۹۲ و نیز قانون سابق مجازات اسلامی در مورد تعلیق وجود دارد، این است که تعلیق می تواند همه مدت محکومیت یا بخشی از آن را دربر گیرد؛ به طور مثال فردی به سه یا ۵ سال حبس محکوم شده است و پس از تحمل یک سال یا دو سال از این مدت، دادگاه می تواند بقیه مدت محکومیت او را تعلیق کند همچنین می تواند از همان ابتدا، کل اجرای مجازات را معلق کند. (صانعی، 178)

4-5- رویکرد جدید به اختیار دادستان و قاضی اجرای احکام در خصوص تعلیق

در قانون جدید به دادستان و قاضی اجرای احکام اختیاری داده شده است که این اختیار در قانون سابق وجود نداشت. بر این اساس این مقام های قضایی نیز می توانند پس از اجرای یک سوم از مجازات، از دادگاه صادر کننده حکم قطعی تقاضای تعلیق کنند و بر این اساس می توان گفت تعلیق اجرای مجازات فرآیندی است که به نفع محکوم است. در قانون سابق مجازات اسلامی با چنین موردی مواجه نبودیم که دادستان در مورد شخص زندانی، به قاضی صادرکننده حکم قطعی پیشنهاد دهد که حکم مجازات او را تعلیق کند. به عبارت دیگر، در گذشته تعلیق فقط پس از صدور حکم محکومیت وجود داشت ولی اکنون بعد از اجرای حکم و حتی در زمانی که شخص در زندان است، می توان مجازات را تعلیق کرد. فرآیند تعلیق مجازات نیز به این صورت است که دادستان یا قاضی اجرای احکام تعلیق اجرای حکم را از دادگاه می خواهند؛ البته این خواستن به معنای آن نیست که دادگاه حتماً آن را بپذیرد. همچنین محکوم می تواند پس از تحمل یک سوم از مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق کند. گام مثبت ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی جدید آن است که اگر قاضی دادگاه در میزان صدور حکم محکومیت، شرایط را احراز نکرد تا مجازات را تعلیق کند، این موضوع به مثابه آن نیست که در آینده نیز نتوان تعلیق را صادر کرد، بلکه محکوم می تواند به طور مجدد پس از گذشت یک سوم از مدت مجازات، تقاضای تعلیق را از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری مطرح کند. همچنین دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری می توانند از قاضی صادرکننده حکم محکومیت قطعی، تعلیق اجرای مجازات را درخواست کنند. (حاجی تبار فیروز جایی، 100)

4-6- مجازات های غیرقابل تعویق براساس آخرین ارزیابی ها

برخی از جرایم در ماهیت خود قابل تعویق یا قابل تعلیق نیستند. همان طور که در ماده ۳۲ قانون مجازات سابق و اکنون در ماده ۴۷ وجود دارد، در جرایم علیه امنیت از قبیل جاسوسی، طرح براندازی، خرابکاری یا ایجاد اختلال در نظام و امنیت داخلی و خارجی، نمی توان مجازات را تعویق یا حتی تعلیق کرد. همچنین در جرایم سازمان یافته، سرقت مسلحانه و بندهایی که در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی جدید آمده است، نمی توان تعلیق را در مورد آن ها اجرا کرد. در زمان تعلیق اعم از ساده و مراقبتی که ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی جدید به آنها اشاره دارد، آثاری مترتب است؛ اگر شخص در زمان تعلیق (یک تا ۵ سال) مرتکب جرم جدیدی نشود با دستورهای دادگاه را اجرا کند و تخلفی مرتکب نشود، از او رفع اثر می شود یعنی در حقیقت به نوعی آثار محکومیت کیفری از او زایل می شود. مفهوم مخالف این موضوع آن است که پس از تعلیق اجرای مجازات، اگر شخص دستورهای دادگاه را اجرا نکند یا جرم جدیدی مرتکب شود، نه تنها مجازات جرم جدید اعمال می شود، بلکه مجازات تعلیق شده نیز اجرایی خواهد شد. تعلیق هیچ گاه ضرر و زیانی به حق مدعی خصوصی وارد نمی کند؛ به این معنا که در تعلیق اجرای مجازات حقوق بزه دیده باید ترجیح داده شود و اگر مجازات به عنوان یک حق حاکمیتی معلق می شود، به معنای آن نیست که حقوق بزه دیده نادیده گرفته شود. (شامبیاتی، ۱۱۰)

5- آثار تعلیق اجرای مجازات و موارد رفع اثر از قرار تعلیق اجرای مجازات در حقوق کیفری ایران

قرار تعلیق اجرای مجازات یک تصمیم قضایی است که همانند سایر احکام و تصمیمات قضایی آثاری را به دنبال خواهد داشت. پاره ای از این آثار نسبت به محکمه و محکوم علیه و پاره ای نیز نسبت به حقوق مدعیان خصوصی و کیفرهای تبعی و تکمیلی است. قرار تعلیق مجازات اصولاً مقید به وقت است و آثار، تا زمانی است که مدت تعلیق خاتمه نیافته یا اینکه به جهت عوامل دیگری ملغی نشده است (صانعی، ۴۵)

5-1- آثار تعلیق نسبت به مرجع قضایی

از جمله آثاری که تعلیق اجرای مجازات در پی خواهد داشت تکالیفی است که به دنبال آن برای مرجع قضایی ایجاد خواهد شد که عبارتند از:

به موجب ماده ۴۹ ق.م.ا. محکومی که اجرای حکم مجازات حبس او تماماً معلق شده است اگر بازداشت باشد به دستور دادگاه فوراً آزاد می گردد.

این اثر تعلیق اجرای مجازات صرفاً در موردی است که تمام کیفر حبس معلق شود. اگر قسمتی از اجرای مجازات حبس معلق شود فوراً آزاد نمی شود بلکه قسمت منجز اول اجرا می شود و بعد مجرم به منظور طی دوره تعلیق آزاد می گردد.

در اینجا سؤالی پیش می آید این است که آیا زمان آزادی مجرم در صورتی که در بازداشت باشد پس از صدور حکم مبنی بر تعلیق، از دادگاه بدوی است یا اینکه حکم باید به مرحله قطعیت برسد با به طور قطعی از مرجع بدوی صادر گردد؟

در پاسخ باید گفت که در همه مواردی که حکمی دال بر آزادی فردی صادر شود این حکم باید فوراً اجرا شود. مثلاً در خصوص حکم برائت نیز طبق ماده ۲۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری پیش از صدور حکم دال بر برائت متهم، مشارالیه باید فوراً آزاد گردد. (ماده ۲۱۳ ق.آ.د.ک «چنان چه رأی دادگاه مبنی بر برائت یا تعلیق مجازات متهم باشد و متهم بازداشت باشد، فوراً آزاد می شود مگر آنکه از جهت دیگری بازداشت باشد.» چون نتیجه تعلیق اجرای مجازات نیز آزادی متهم است. بنابراین باید فوراً حتی قبل از قطعیت حکم آزاد شود که در متن ماده ۴۹ نیز به این فوریت اشاره شده است و این فوریت با انتظار، برای قطعیت حکم در تعارض است و نمی توان اجرای احکام برائت و سایر احکامی را که نتیجه آن آزادی متهم است را به بهانه عدم قطعیت متوقف کرد. (آقای جنت مکان، ۳۴۰)

حقوقدانان شرط قطعیت برای اجرای احکام کیفری را مختص آراء محکومیت می دانند و آراء تبرئه و قرارهای منع و موقوفی تعقیب بلافاصله بعد از صدور باید به موقع اجرا گذاشته شود. (آخوندی، ۳۶).

هر چند که احکام تعلیقی از نوع احکام محکومیت هستند ولی چون نتیجه آنها آزادی محکوم علیه است و ماده ۴۹ نیز مقرر داشته است «... کسی که اجرای حکم مجازات وی به طور کلی معلق شده است اگر در بازداشت باشد فوری آزاد می گردد».

و شرط قطعیت حکم را عنوان کرده است و انتظار قطعیت نیز با این فوریت تعارض دارد. بنابراین در صورتی که مجازات حبس تماماً معلق شود محکوم علیه باید فوراً و قبل از قطعیت حکم آزاد شود.

در مورد سایر مجازات‌های قابل تعلیق دیگر نیز چنان چه محکوم علیه به واسطه صدور قرار تأمین در بازداشت باشد و مجازات معینه معلق گردد باید فوراً از حبس آزاد شود و نیازی به صدور حکم قطعی و یا انتظار برای قطعیت حکم نیست.

اگر متهم در حین محاکمه آزاد باشد در این صورت تا قطعیت حکم آزاد می‌ماند. سؤال دیگری به ذهن متبادر می‌شود این است که اگر آزادی متهم به طور موقت با معرفی کفیل و یا سپردن وثیقه و با وجه الضمان باشد آیا می‌تواند در نتیجه حکم تعلیقی وجه تودיעی خود را پس بگیرد یا باید تا قطعیت حکم صبر کند؟

در صورتی که حکم تعلیقی صادر شود اگر متهم وثیقه و یا وجه الضمان سپرده باشد چون حکم تعلیقی برای متهم حق آزادی را ایجاد کرده است و نیازی به حضور او نداریم بنابراین دیگر دلیلی برای بقای تأمین سابق وجود ندارد و همانطوری که اگر به دلیل عجز از تودیع وثیقه و یا وجه الضمان در بازداشت بود آزاد می‌شد، اگر وثیقه یا وجه الضمان نیز سپرده باشد در صورت صدور حکم تعلیق این وجوه نیز مسترد می‌گردد. (همان، 44)

در حقوق کیفری فرانسه، تأمین مأخوذه را باید دو قسمت کنند، آن قسمتی را که برای تأمین حضور متهم در مراجع قضایی تا صدور حکم و اجرای آن است فوری به محکوم علیه پس می‌دهند زیرا با صدور حکم تعلیقی که حق آزادی برای محکوم علیه ایجاد کرده است موجبی نیست که تأمین سابق بماند.

قسمت دوم که عنوان مساعده برای هزینه دادرسی و جریمه دارد پس داده نمی‌شود زیرا حکم تعلیقی در این موارد آثار محکومیت را تغییر نمی‌دهد. (رنه گجارو، 600)

تکلیف دیگری که تعلیق مجازات برای مرجع قضایی ایجاد می‌کند این است که طبق تبصره ۱ ماده 25 ق.م.ا برای کلیه محکومین به مجازات‌های معلق مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم علیه درج می‌شود ولی در گواهی‌های صادره از مراجع ذیربط انعکاس پیدا نمی‌کند مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات محکوم علیه، ولی در قانون سابق (ق.م.ا 1370) برای کلیه محکومین به مجازات‌های معلق می‌بایست بلافاصله پس از قطعیت حکم از طرف دادسرای مربوطه برگ سجل کیفری تنظیم و به مراجع صلاحیت دار ارسال می‌گردید و در هر مورد که تغییر داده شود با حکم تعلیق مجازات الغاء می‌گردید باید مراتب فوراً برای ثبت در سجل کیفری محکوم علیه به مراجع صلاحیت دار مربوطه اعلام می‌شد. (ولیدی، 238)

5-2- آثار تعلیق نسبت به محکوم علیه

الف) اولین اثر تعلیقی اجرای مجازات نسبت به محکوم علیه زوال محکومیت کیفری است. البته حصول این نتیجه معین زوال محکومیت کیفری زمانی است که محکوم علیه در مدت تعلیق مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت نشود و مدت تعلیق نیز منقضی شود در این صورت محکومیت تعلیق طبق ماده ۵۲ ق.م.ا بی اثر محسوب نمی‌شود و از جهت آثار کیفری به مثابه کسی است که مرتکب بزه‌ی نشده است.

ب) دومین اثر تعلیق اجرای مجازات نسبت به محکوم علیه آزادی اوست یکی از تکالیف دادگاه پس از صدور قرار تعلیق اجرای مجازات صدور دستور آزادی محکوم علیه است که در قبال این تکلیف دادگاه برای محکوم علیه حق آزادی ایجاد می‌شود و به دستور دادگاه در صورتی که تمام مجازات‌های معلق باشد آزاد می‌شود که در مورد نحوه آزادی و زمان آزادی در مباحث پیشین صحبت شد و نیازی به تکرار آن نیست. (پیمانی، 41).

از جمله آثار دیگری که قرار تعلیق اجرای مجازات دارد تکالیفی است که برای محکوم علیه در آینده توسط دادگاه ایجاد می‌شود. براساس ماده ۵۰ ق.م.ا اگر «در صورت تعلیق بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند» که این تبعیت از دستورات دادگاه در ماده ۱۳ ق.م.ا احصا شده است که دادگاه صادر کننده قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات

مرتکب و شرایط زندگی می تواند اجرای دستور یا دستورهای ذیل را در مدت تعلیق از محکوم علیه بخواهد و محکوم علیه مکلف به اجرای دستور دادگاه می باشد.

با توجه به این ماده در صورتی که دادگاه از این اختیار خود استفاده کند و اجرای دستوراتی را در مدت تعلیق از محکوم علیه بخواهد، در مقابل آن محکوم علیه مکلف به اجرای آن دستورات می باشد. در صورتی که بدون عذرموجه از دستورات دادگاه تبعیت نکند دادگاه می تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام برای اولین بار یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار را لغو نماید. تخلف از این دستورات برای بار دوم موجب الغای قرار تعلیق و اجرای مجازات می شود. این دستورات عبارتند از:

- الف - حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه ای خاص
- ب - اقامت یا عدم اقامت در مکان معین
- پ - درمان بیماری یا ترک اعتیاد
- ت - پرداخت نفقه افراد واجب النفقه
- ث - خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری
- ج - خودداری از فعالیت حرفه ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن
- چ - خودداری از ارتباط و مشارکت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه دیده
- ح - گذراندن دوره با دوره های خاص آموزشی و یادگیری مهارت های اساسی زندگی با شرکت در دوره های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.

ضمانت اجرای تخلف از دستورات دادگاه به موجب ماده ۵۰ ق.م.ا به قرار ذیل است:

- الف - افزایش مدت تعلیق برای بار اول به مدت یک تا دو سال
 - ب - الغای حکم تعلیق مجازات برای بار دوم
- یعنی دستورات فوق برای محکوم علیه در راستای مراقبت از وی و سرپرستی از او در جهت اصلاح و بازپروری می باشد. بنابراین مراقبت از محکوم علیه باید هم در حکم دادگاه قید شود و هم اینکه یک سازمان ویژه ای باید متکفل این امر مهم شده باشد و عهده دار مراقبت و سرپرستی از محکومین شود وگرنه صرف صدور دستوراتی برای محکوم علیه بدون اینکه عملاً مراقبتی از او صورت پذیرد نقص غرض است مثل بند ج ماده 43 ق.م.ا که خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا و معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه دیده که این انتقاد وارد است که کدام سازمان می خواهد این ارتباطات را کنترل نماید. آیا این امر امکان پذیر است با این همه وسایل ارتباطی در دنیای پیشرفته فعلی، در بسیاری از موارد دادگاه ها از تعیین دستورات مراقبتی در ضمن حکم خود خودداری می کنند.

بر فرض صدور دستورات مراقبتی در حکم دادگاه، هیچ نهاد یا سازمانی برای مراقبت از محکومین تعلیقی وجود ندارد. (میرعرب رضی، 154).

سؤال این است که ضمانت اجرای این موارد و دستوراتی که در ماده ۱۳ ق.م.ا بیان شده چیست؟ در پاسخ باید گفت که ماده ۵۰ ق.م.ا این ضمانت اجرا را مشخص نموده است. این ماده مقرر دانسته است: «چنانچه محکومی که مجازات او معلق شده است در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند، دادگاه صادر کننده حکم قطعی می تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام، برای بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار تعلیق را لغو نماید. تخلف از دستور دادگاه برای بار دوم، موجب الغای قرار تعلیق و اجرای مجازات می شود.» بنابراین ضمانت اجرای عدم تبعیت از دستورات دادگاه دو نوع است:

در صورتی که برای بار اول باشد به مدت تعلیق مجازات از یک سال تا دو سال افزوده می شود. مثلاً اگر مجازات محکوم علیه قبلاً دو سال بوده است در صورت تخلف از دستورات، دادگاه می تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام آن مدت را

به ۳ یا ۴ سال افزایش دهد یا قرار را لغو نماید. در صورتی که برای بار دوم از دستورات دادگاه تبعیت نکند حکم تعلیق لغو و مجازات معلق به موقع اجرا گذاشته می شود، اما اگر عذر موجه در اجرا نکردن دستورات دادگاه باشد. افزایش مدت منتفی است پس برای اعمال این ضمانت اجرا شرایطی وجود دارد که:

اولاً باید عدم تبعیت از دستورات دادگاه بدون عذر موجه باشد یعنی اگر با عذر موجه وجهی برای اعمال این ضمانت اجرا وجود ندارد.

ثانیاً اینکه برحسب درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام باشد، چرا که دادرسی مجری اجرای حکم می باشد. (ساک، ۳۷۸) در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ شرط سومی هم وجود داشت و آن هم، ثبوت عدم تبعیت از دستورات دادگاه، در دادگاه صادرکننده حکم تعلیق بوده است که در ق.م.ا فعلی این شروط حذف شده است و ای کاش این شرط وجود داشت تا محکوم علیه بتواند از خود در مقابل دادستان یا نماینده دادستان دفاع نماید و عدالت مورد خدشه و تعرض قرار نگیرد.

6- موارد رفع اثر از تعلیق اجرای مجازات

تعلیق مجازات مقید به وقت است و پس از اتمام مدت تعلیق عملاً قرار تعلیق منتفی می شود و قیود و تکالیفی که برای محکوم علیه تعیین شده است رفع می گردد و آزادی معلق او به آزادی منجر تبدیل می گردد. اما علاوه بر انقضای مدت تعلیق و در بعضی موارد در اثناء مدت تعلیق اموری عارض می شود که با احراز آن امور موجبات فسخ و یا لغو قرار تعلیق و اجرای مجازات را فراهم می آورد. و پس از لغو یا فسخ قرار تعلیق آثار آن نیز منتفی می شود.

یکی از موارد رفع اثر از قرار تعلیق اجرای مجازات انقضای مدت آن است.

هرگاه مدت تعلیق سپری شود و در آن مدت محکوم علیه از دستورات دادگاه تبعیت نماید و مرتکب جرم جدیدی نشود و محکومیت معلق بی اثر محسوب می شود و در صورت ارتکاب جرم در آینده هم مشمول مقررات تکرار جرم نمی شود و هم اینکه می تواند مجدداً از نهاد تعلیق استفاده نماید.

انقضای مدت تعلیق مجازات دارای آثار زیر است:

1. پس از انقضای مدت محکوم علیه بطور قطع آزاد و از مجازات تعلیقی نیز معاف می گردد و تمامی تکالیف و محدودیت هایی که برابر محکوم علیه مقرر شده است نیز مرتفع می گردد. (شامبیانی، ۴۹۳). مثلاً دستورات دادگاه که محکوم علیه در دوران تعلیق مکلف به اجرای آنها است برای محکوم علیه باقی نمی ماند و اثر تعلیق از این حیث رفع می گردد. در واقع انقضای مدت تعلیق آثار منفی و محدودیت هایی که برای محکوم علیه مقرر شده است را رفع می کند، چون قرار تعلیق از جهت موجد آثار منفی است که برای محکوم علیه ایجاد تکلیف می کند و از جهتی نیز واجد آثار مثبت است که برای محکوم علیه حق و حقوقی را ایجاد می کند. انقضای مدت فقط تکالیفی که بر عهده محکوم علیه است را رفع می کند ولی برعکس آثار مثبت با انقضای مدت ثبات می یابد مثل حق آزادی و زوال محکومیت کیفری.

2. یکی دیگر از آثار انقضای مدت زوال محکومیت کیفر است.

براساس ماده ۵۲ ق.م.ا «هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق به مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت نشود محکومیت تعلیقی بی اثر می شود».

منظور از «بی اثر می شود» موید این مطلب است که برای همیشه از اجرای مجازات، معاف می شود و این محکومیت مانع تعلیق مجازات های بعدی نیست. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه ای آورده است «چون بر حکم تعلیقی اثری مترتب نیست و چون تعلیق متهم از سوی کارگزینی مستند به ماده ۷ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری تا رسیدگی نهایی و صدور حکم معلق است بنابراین رفع تعلیق موضوع حکم کارگزینی و اشتغال مجدد محکوم علیه منع قانونی ندارد».

(نظریه شماره ۷/۵۰۸۹ - ۱۳۷۲/۷/۲۱).

همچنین «نظر به این که بعد از اتمام مدت تعلیق، محکومیت تعلیقی بی اثر و از سجل کیفری محسوب می شود و با نحو آن کلیه آثار تبعی و تکمیلی نیز از بین می رود بنا به علی هذا اشتغال مجدد و با پرداخت حقوق بازنشستگی بلا اشکال است».

7- فسخ یا لغو قرار تعلیق مجازات به حکم مراجع قضایی

یکی دیگر از مواردی که موجب رفع اثر از قرار تعلیق اجرای مجازات می شود لغو قرار تعلیق است. لغو قرار تعلیق موجب رفع آثار مثبت تعلیق مجازات از قبیل آزادی قطعی و معافیت از کیفر تعلیقی و زوال محکومیت کیفری می شود زیرا پس از لغو قرار تعلیق موجبی برای بقای آن و در نتیجه حصول آثار آن باقی نمی ماند حال به بررسی موارد فسخ یا لغو قرار تعلیق اجرای مجازات می پردازیم.

1. طبق ماده ۵۰ ق.م.ا اگر محکومی که مجازات او معلق شده است در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستورات دادگاه تبعیت نکند، دادگاه صادرکننده حکم قطعی می تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام برای بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه کند یا قرار تعلیق را لغو نماید و برای بار دوم حکم تعلیق لغو و مجازات معلق به موقع اجرا گذاشته خواهد شد. بنابراین طبق ماده ۵۰ ق.م.ا یکی از موارد لغو یا فسخ قرار تعلیق مجازات از دستورات دادگاه موضوع ماده 43 ق.م.ا است. در واقع لغو حکم تعلیق ضمانت اجرای عدم تبعیت از دستورات دادگاه است و پس از لغو، حکم تعلیق مجازات بلا اثر شده و مجازات معلق و درباره محکوم علیه به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.

2. دومین مورد از موارد لغو قرار تعلیق مجازات ارتکاب به یکی از جرائم عمدی موجب حد قصاص، دیه یا تعزیز تا درجه هفت می باشد مطابق ماده 54 ق.م.ا «هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرائم عمومی موجب حد قصاص، دیه یا تعزیز تا درجه هفت شود پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می کند. دادگاه به هنگام صدور تعلیق به طور صریح به محکوم اعلام می کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم فوق شود علاوه بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجرا شود.

مطابق این ماده در صورتی حکم تعلیق مجازات لغو می شود که محکوم علیه در مدت تعلیق مرتکب جرم جدیدی که موارد آن در صدر ماده ۵۴ ق.م.ا آمده است گردد مشروط بر آنکه حکم محکومیت در خصوص جرم اخیر نیز قطعی شود. اما مطلبی که لازم به ذکر است که مبدأ احتساب تخلف محکوم علیه در مهلت مقرر چه زمانی است آیا باید حکم بدوی تعلیق را مبدأ قرار داد یا حکم قطعی آن را؟

در پاسخ باید گفت که در ماده ۵۴ ق.م.ا مبدأ این مدت حکم بدوی تعلیق قرار داده شده است بدین معنی که هرگاه محکوم علیه از تاریخ صدور حکم تعلیق مجازات در دادگاه های بدوی مرتکب جرم جدیدی که موجب محکومیت مذکور در ماده ۵۴ ق.م.ا است بشود و در همین مدت حکم محکومیت جرم جدید نیز قطعی شود، حکم محکومیت لغو می شود. (شامبیاتی، ص 293). اما در حقوق کیفری فرانسه حکم قطعی تعلیق باید مبدأ احتساب باشد بدین معنی اگر تعقیب جرم ارتكابی دوم محکوم علیه و حکم قطعی آن قبل از انقضای مهلت مقرر از طرف دادگاه در حکم قطعیت تعلیق صادر شود حکم تعلیق اجرای مجازات لغو می گردد، برعکس اگر حکم محکومیت محکوم علیه از جهت جرم دوم پس از انقضای مهلت مقرر صادر گردد حکم تعلیق اجرای مجازات ابقاء می شود و تنها مجازات محکومیت جرم ثانی اجرا می گردد. (علی آبادی، 367).

شاید اگر قانونگذار ارتکاب جرم بطور عام را باعث لغو قرار تعلیق مجازات می دانست بهتر بود زیرا محکوم علیه با احتیاط بیشتری عمل می کرد و به امید آزادی قطعی از ارتکاب جرم بطور کل خودداری می کرد در واقع تعلیق در این صورت هم نقش بازدارندگی و هم نقش اصلاحی خود را ایفاء می کرد.

3. سومین مورد از موارد لغو قرار تعلیق مجازات احراز وجود سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت قطعی دیگر بعد از قرار تعلیق مجازات می باشد. ماده ۵۵ ق.م.ا مقرر داشته است که:

«هرگاه پس از صدور قرار تعلیق، دادگاه احراز نماید که محکوم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت های قطعی دیگری بوده است که در میان آن ها محکومیت تعلیق وجود داشته و بدون توجه به آن اجرای مجازات معلق شده است قرار تعلیق را لغو می کند، دادستان یا قاضی اجرای احکام نیز موظف است در صورت اصلاح از موارد فوق لغو تعلیق مجازات را از دادگاه درخواست نماید حکم این ماده در مورد تعویق صدور حکم نیز جاری است.»

یکی از مواقع عام تعلیق وجود سابقه محکومیت های مؤثر است برای محکوم علیه بنابراین چنانچه دادگاه بدون توجه به این سوابق اقدام به صدور قرار تعلیق اجرای مجازات نماید دادستان یا قاضی اجرای احکام می تواند تقاضای لغو آن را از دادگاه درخواست نمایند. (پیمانی، 45).

در مورد فسخ قرار تعلیق نکات زیر قابل توجه است:

دادگاهی که صلاحیت لغو قرار تعلیق را دارد، دادگاهی است که قرار تعلیق اجرای مجازات را صادر کرده است و هم دادگاهی است که به مجازات جرائم احصاء شده در ماده ۵۴ ق.م.ا رسیدگی کرده و پس از قطعیت حکم اخیر قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را صادر و مراتب را به دادگاه صادر کنند قرار تعلیق اعلام می نمایند.

مراتب لغو قرار تعلیق اجرای مجازات در اجرای تبصره یک ماده ۲۵ ق.م.ا باید برای ثبت در پیشینه کیفری محکوم علیه جهت تعیین یا بازنگری در مجازات به مراجع صلاحیت دار اعلام گردد.

منشاء لغو قرار تعلیق در خصوص دو مورد اول از موارد لغو در مدت تعلیق ایجاد می شود ولی در خصوص مورد سوم منشأ لغو، قبل از زمان تعلیق وجود دارد منتهی بعد از صدور قرار تعلیق احراز می شود.

نتیجه گیری

1. تعلیق اجرای مجازات که مربوط به مرحله اجرای کیفر می شود. بدین معنی که قاضی در هنگام صدور حکم محکومیت و در ضمن آن مجازات می شود به حالت تعلیق در می آورد. این روش را سیستم فرانسوی بلژیکی گویند که این روش در کشور ما نیز اعمال می شود و بر دو نوع است:

تعلیق ساده: که در طول مدت تعلیق، نظارت و مراقبتی نسبت به محکوم علیه به عمل نمی آید.

تعلیق مراقبتی: در روش مراقبتی محکوم علیه در طول مدت تعلیق تحت درمان مراقبت و نظارت قرار می گیرد.

2. در بسیاری از کشورها برای اعمال روش تعلیق مراقبتی کمیته ای بنام کمیته مراقبت تشکیل شده که این کمیته از طریق مامورین مراقبت و با نظارت قاضی اجرای احکام نسبت به محکومین تعلیقی مراقبت و نظارت به عمل می آورند. با توجه به اینکه تعلیق مجازات در پی اصلاح و بازپروری مجرمین است و براساس اصل فردی کردن کیفرها بنا شده است. بنابراین زمانی این هدف تحقق خواهد یافت که روش تعلیق مجازات و رها کردن محکوم علیه در جامعه، بطور مراقبتی باشد. در صورت فقدان سازمان مخصوص که امر مراقبت را انجام دهد، چنین هدفی تحقق نخواهد یافت. در کشور ما، عملاً فقط روش ساده تعلیق مجازات اعمال می گردد، و از تعلیق یا مراقبت بدلیل عدم سازمان هایی جهت انجام امور امکان پذیر نمی باشد.

3. از حیث تاریخی تعلیق اجرای مجازات از تأسیسات حقوق عرفی می باشد که در مکتب تحقیقی و تحت تأثیر افکار دانشمندان این مکتب شکل رفته است.

قانون ۱۸۹۱ فرانسه نیز که تعلیق را پیش بینی نموده است نیز تحت تأثیر عقاید این مکتب وضع شده است. در ایران نیز در سال ۱۳۰۴ قانونگذار به تبعیت از قانون ۱۸۹۱ فرانسه تعلیق مجازات را ضمن مواد 47 تا ۵۰ ق.م.ع آورده است. سپس این مواد در سال ۱۳۴۶ با تصویب قانون تعلیق اجرای مجازات در باب تعلیق فسخ گردیده است و بعد از پیروزی انقلاب نیز قانون راجع به مجازات اسلامی سال 1361 و بعد از آن قانونگذار مجازات اسلامی 1370 و در آخر قانون مجازات اسلامی 1392 مقررات تعلیق اجرای مجازات را با تغییراتی مقرر داشته اند.

4. تعلیق مجازات در حال حاضر براساس مواد ۴۶ تا ۵۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اعمال می‌گردد که قانونگذار برای این نهاد حقوقی شرایطی مقرر کرده اند که پاره ای از این شرایط مربوط به جهات و موجبات تعلیق در مدت تعلیق و میزان مجازات معلق و نوع محکومیت‌های قابل تعلیق می‌باشد که شرایط ماهوی تعلیق هستند، که عبارتند از:

الف) شرایط مربوط به بزهکار، وضعیت فردی، خانوادگی، اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوال حاکم بر وقوع جرم ارتكابی.

ب) جبران ضرر و زیان مدعی خصوصی جهات مخففه، اصلاح مرتکب و فقدان کیفری مؤثر.

ج) شرایط مربوط به نوع مجازات قابل تعلیق، که تعزیری است و در دیگر محکومیت‌ها، تعلیق جایز نیست.

5. پاره ای از شرایط تعلیق مربوط به تشریفات و چگونگی اعطای آن است که عبارتند از اینکه: اولاً دادگاه صالح برای تعلیق مجازات دادگاهی است که حکم محکومیت را صادر می‌کند و رد صورت انحلال آن با دادگاه جانشین است.

ثانیاً: تصمیم دادگاه در خصوص تعلیق که به صورت قرار است هم در ضمن حکم محکومیت و هم پس از اجرای یک سوم مجازات توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری از دادگاه صادرکننده حکم قطعی تقاضای تعلیق نماید. در ضمن، محکوم علیه نیز پس از تحمل یک سوم مجازات در صورت داشتن شرایط قانونی از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق می‌نماید.

ثالثاً: دادگاه باید در حکم خود جهات و مدت تعلیق و ضمانت اجرای عدم تبعیت از دستورات دادگاه و آثار ارتكاب به جرایم عمدی موجب حد قصاص دیه یا تعزیر تا درجه هفت را در دوران تعلیق ذکر کند و به محکوم به طور صریح اعلام نماید.

6. در بعضی از مواقع بدلیل وجود مواعی تعلیق مجازات ممکن نیست که این موانع یا به طور عام است یعنی در همه محکومیت‌های تعزیری در صورت وجود چنین مواعی دادگاه نمی‌تواند کیفر را معلق نماید و یا به طور خاص است که در موارد خاص، قانونگذار مشخصاً بعضی از جرائم را غیرقابل تعلیق معرفی نموده است موانع عام عبارتند از:

الف) ماهیت جرم ارتكابی.

ب) وجود سابقه محکومیت قطعی یا کیفری مؤثر

ج) نوع جرم ارتكابی.

7. تعلیق مجازات نسبت به محکوم علیه و مرجع قضایی موجد آثاری است که عبارتند از: تکلیف دادگاه در آزادی فوری متهم و حق آزادی برای محکوم علیه بی اثر شدن محکومیت تعلیقی که همان زوال پیشینه کیفری می‌باشد و برقراری تکالیف موضوع ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی برای محکوم علیه.

8. آثار تعلیق مجازات نیز نسبت به محکوم علیه با انقضای مدت تعلیق و لغو قرار تعلیق اجرای مجازات رفع می‌گردد.

9. انقضای مدت تعلیق آثار منفی و تکالیف محکوم علیه را مرتفع نموده و موجب زوال محکومیت کیفری او می‌شود و لغو قرار تعلیق نیز آثار مثبت تعلیق از قبیل آزادی محکوم علیه و زوال محکومیت کیفری وی را مرتفع و محکوم علیه را در معرض اجرای کیفر قرار می‌دهد.

منابع و مآخذ

کتاب

- 1- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، 1391، جلد اول، چاپ ۳۴، تهران، انتشارات میزان
- 2- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، 1377، جلد سوم، چاپ ۱۰، تهران، سازمان چاپ و انتشارات
- 3- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، 1388، جلد اول، چاپ ۲۴، تهران، سازمان چاپ و انتشارات
- 4- آقای جنت مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، 1391، جلد دوم، چاپ ۱۴، تهران، انتشارات جنگل
- 5- ساکی، محمدرضا، حقوق جزای عمومی، 1388، چاپ ۲، تهران، انتشارات جنگل
- 6- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، 1380، جلد اول، چاپ ۲، تهران، انتشارات مجد
- 7- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، 1371، جلد اول، چاپ ۱، تهران، انتشارات طرح نوین
- 8- گارو، رنه، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، 1348، جلد سوم، تهران، انتشارات ابن سینا
- 8- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، 1391، چاپ ۳، تهران، انتشارات میزان
- 10- محمد نسل، غلامرضا، بررسی کاربردی تعلیق مجازات در حقوق جزا و رویه محاکم ایران، 1383، شماره ۶۴، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- 11- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، 1388، چاپ ۳۴، تهران، انتشارات گنج دانش

مقالات

- 12- پیمانی، ضیا الدین، آثار تعلیق اجرای مجازات در حقوق کیفری ایران، 1353، دوره ۱۵، شماره ۱، ۱۵ و ۱۶، تهران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- 13- ولیدی، محمد صالح، نقش تعدیل کننده تعلیق مراقبی به عنوان کیفر جایگزین، 1379، مجله دانشکده حقوق آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

پایان نامه

- 14- حاجی تبار فیروز جایی، حسن، جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران، 1386، پایان نامه، دانشگاه آزاد اسلامی قائمشهر
- 15- میر عرب رضی، علی اصغر، تعلیق اجرای مجازات، 1378، پایان نامه، قم، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی

Analyzing the evolution of suspension of execution of punishment in Iran's criminal justice system

First Author Fatemeh Rahaee Najaf Abadi

Master's degree in family law, Islamic Azad University, Khomeini
Branch, Isfahan

1-1- Abstract

Historically, the suspension of execution of punishment is one of the institutions of customary law, which was formed in the realist school and under the influence of the thoughts of the scholars of this school. The French law of 1891, which provides for suspension, was also established under the influence of this school of thought. In Iran, in 1304, following the French law of 1891, the legislator included the suspension of punishment in articles 47 to 50 of the Islamic Law. Then, these articles were repealed in 1346 with the approval of the Law on Suspension of Execution of Punishment, and after the victory of the revolution, the Law on Islamic Punishment in 1361, and then the Law on Islamic Punishment in 1370, and finally the Islamic Penal Law of 1392, suspended the provisions of the execution of punishment with changes. have stipulated The suspension of punishment is currently applied based on articles 46 to 55 of the Islamic Penal Code of 2012, which the legislator has set conditions for this legal institution, some of these conditions are related to the reasons and causes of suspension during the suspension period, the amount of the suspended punishment and the type of convictions. It can be suspended if the material conditions of the suspension are: a) the conditions related to the criminal, the personal, family, social situation and life records of the convicted person and the circumstances governing the occurrence of the crime committed. b) compensation for the losses of the private claimant Abbreviated directions, correction of the perpetrator and lack of effective punishment. c) The conditions related to the type of punishment that can be suspended, which is punishment, and suspension is not allowed in other convictions. In this article, a descriptive-analytical review of the progress of the suspension of execution of punishment in the Iranian criminal law system has been carried out.

Keywords: Suspension, execution of punishment, conviction, penal law.